

## الهام بخشی الگوی انقلاب اسلامی ایران

### به خیزش های مردمی منطقه غرب آسیا

مجید نجات پور

#### چکیده

با وقوع جنبش های مردمی در غرب آسیا (خاورمیانه)، اندیشمندان داخلی و خارجی زیادی، به ظرفیت های الگوی انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یک عامل مؤثر، در ایجاد، تقویت و استمرار جریان های اخیر پرداخته اند. تحولات اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا در قالب انقلاب های مردمی توانسته است چشم انداز نوینی از تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در گسترش این انقلاب ها به وجود بیاورد. نقاط مشترکی چون ضدیت با رژیم اسرائیل، ضدیت با استبداد و تقویت هویت اسلامی- ملی بین انقلاب ایران و انقلاب های منطقه وجود دارد. مهم ترین شباهت این انقلاب ها با انقلاب اسلامی ایران در مردمی بودن این انقلاب ها با محوریت اسلامی و دینی است. همین موضوع می تواند در کنار ظرفیت های عدالت محوری و سلطه ستیزانه انقلاب اسلامی، یک الگوی واقعی و منطقی برای این انقلاب ها در راستای شکل گیری حکومت های مردمی و اسلامی محسوب شود. در این میان، نقش حمایت های آشکار ایران از گروه های مقاومت در خاورمیانه و مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال اقدامات اسرائیل و در مقابل، ضعف و سستی حکام کشورهای عربی در برابر این رژیم، آرزوی برقراری حکومتی مستقل و مردمی را نظیر آنچه در ایران بر سر کار است در دل ملت های منطقه، تقویت کرده است. در یک نگاه کلی به نظر می رسد گرانیگاه این جنبش ها ساختار شکنی از نهادهای سنتی و روش های کهنه و پوسیده حکومت داری و روی آوردن به ارزش هایی چون عدالت و آزادی است که ریشه در تفکر اسلامی دارد. این پژوهش درصدد است تا به بررسی الهام بخشی الگوی انقلاب اسلامی ایران به خیزش های مردمی در منطقه غرب آسیا بپردازد و ابعاد مختلف این موضوع و نوع نگرش های غالب بر این تحولات را تبیین نماید.

**کلیدواژه ها:** انقلاب اسلامی، اسلام سیاسی، خاورمیانه، جنبش های اسلامی، مصر.

## مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی سبب شد که هم در ساختار و هم در کارکرد نظام بین‌الملل، تغییر و تحولاتی رخ دهد. در ساختار نظام بین‌الملل با توجه به حاکم بودن نظام دوقطبی در آن زمان، ایجاد جبهه‌ای جدید که متکی به غرب و شرق نبود، سبب خیزش دوباره جنبش عدم تعهد و ملت‌های مستقل شد، تا جایی که آنها توانستند در عرصه روابط بین‌الملل نقش‌آفرین شوند. در این میان، کشورهای اسلامی نیز با اتکای به هویت تمدنی خود، توانستند تأثیر قابل توجهی بر تحولات بین‌الملل بگذارند. به علاوه، انقلاب اسلامی توانست بازیگران نوینی را در نظام بین‌الملل به منصفه ظهور برساند که میان از آنها جنبش‌های آزادی‌بخش ملت‌ها هستند که به عنوان نقش‌آفرینان جدید، دیدگاه‌های آنها می‌تواند بر دولت‌ها و روابط بین‌الملل تأثیرگذار باشد (دهشیری، ۱۳۸۲: ۶).

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا پرداخت هزینه محسوس به شمار آورد. انقلاب اسلامی ایران از رهگذر تبیین اندیشه و آرمان عدالت‌خواهانه خود درصدد برآمد با روش‌های غیرمستقیم به نتیجه دلخواه و مطلوب یعنی بیداری اسلامی دست یابد. تأیید ارزش‌های انقلاب توسط جنبش‌های آزادی‌بخش، اشاعه الگوی مردم‌سالاری دینی، استقبال ملل مستضعف و افزایش اشتیاق آنان به نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی در صحنه بین‌الملل، توان متقاعدسازی دیگر ملل از زاویه توانایی شکل دادن به ترجیحات و اولویت‌های آنان، جلب و جذب جهان اسلام به شخصیت رهبری، فرهنگ، ارزش‌ها، ساختار سیاسی و اعتبار اخلاقی جمهوری اسلامی ایران و نیز بهره‌گیری از توان اطلاعاتی و ارتباطاتی رسانه‌های سنتی برای انتقال پیام انقلاب به مخاطبان مسلمان و مستضعف را می‌توان در زمره مواردی دانست که جایگاه قدرت نرم را در فرآیند استقرار پیام‌های انقلاب اسلامی ایران آشکار می‌سازد (دهشیری، ۱۳۸۵: ۶۸-۶۶).

استفاده از قدرت نرم به منظور نشان دادن مشروعیت سیاست‌های انقلاب اسلامی را می‌توان چهره‌ای جدید از قدرت قلمداد کرد که در برگیرنده مؤلفه‌های فرهنگی، ایدئولوژیک، سیاسی و فکری بوده است. ارزش‌هایی نظیر مردم‌سالاری دینی و کمک‌های بشردوستانه به نهضت‌های رهایی‌بخش و ارتقای توانمندی‌های علمی و فرهنگی کشور را می‌توان در زمره موارد اهتمام قدرت نرم برشمرد. قدرت نرم از آنجاکه به صورت آرام و تدریجی حرکت می‌کند از اثرگذاری بیشتر و مداوم‌تری برخوردار است؛ چراکه می‌تواند با تفسیر سیاست‌های فکری و فرهنگی به ایجاد تغییرات بنیادین و راهبردی یاری رساند. قدرت نرم در فرآیند انقلاب اسلامی چیزی بیش از ترغیب و یا توانایی تهییج ملت‌ها بوده است؛ چراکه علاوه بر آن در بردارنده مفهوم توانایی جذب افراد نیز می‌باشد که عموماً به موافقت و رضایت منجر می‌شود. به بیان دیگر، در روابط مبتنی بر اخلاق، قدرت نرم از توان جذب‌کننده‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که می‌تواند رفتار مردم را با جذابیتی قابل رؤیت اما غیرمحسوس تعیین کند و تغییر دهد. بهره‌گیری انقلاب اسلامی از جذابیت پیام برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌های اسلامی، استقلالی و ضداستکباری، ترغیب مسلمانان و ملت‌های جهان سوم به همکاری و تشریک مساعی برای دستیابی به هدف مشترک و تبیین فرهنگ و ارزش‌های انقلابی و الگوی توسعه بومی و درونزا حکایت از جذابیت اندیشه انقلاب اسلامی در صحنه بین‌المللی داشت، به گونه‌ای که توانست بدون مجبور کردن مردم به تغییر رفتار از طریق تهدید و یا پرداخت هزینه، آنان را برای کسب نتیجه دلخواه و مطلوب جلب و جذب کند (دهشیری، ۱۳۸۵: ۶۸-۶۶).

در این مقاله انقلاب اسلامی ایران را علت و متغیر مستقل و تحولات و جنبش‌های مردمی در منطقه خاورمیانه را معلول و متغیر وابسته در نظر گرفته‌ایم. پژوهش حاضر به بررسی الهام‌بخشی الگوی انقلاب اسلامی ایران به جنبش‌های مردمی منطقه خاورمیانه می‌پردازد.

## تمهیدات نظری

### جنبش‌های اسلامی قرن بیستم

چندین دهه است که پدیده اسلام‌گرایی و پیدایی و رشد جنبش‌های اسلامی در سراسر کشورهای مسلمان و حتی در کشورهای برخوردار از اقلیت‌های مسلمان تبدیل به یکی از مهم‌ترین پدیده‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جهان معاصر شده است. این پدیده تنها در سطح ملی یعنی در درون کشورهای مورد نظر نمود نداشته، بلکه در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی نیز خودنمایی کرده و سیاست‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی را تحت تأثیر خود قرار داده است. با وجود این، ایران به یکی از کانون‌های مهم این پدیده تبدیل شده و در واقع در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، محرک و برانگیزنده اصل اینگونه جنبش‌ها بوده است (احمدی، ۱۳۹۱: ۱۳).

پیدایش جنبش‌های اسلامی و سیاسی شدن اسلام به عنوان یک عنصر اجتماعی و سیاسی فعال در دوران معاصر، پدیده نوینی است که برای آن، نمونه‌ای در قرون گذشته وجود نداشته است. اگرچه اسلام همیشه با سیاست رابطه تنگاتنگ داشته است و به دلیل داشتن نظام سیاسی و حکومت، یک دین سیاسی محسوب می‌شود، نوع درگیر شدن مسلمانان با مسأله سیاست و مسایل اجتماعی و اقتصادی دوره معاصر که به پیدایش جنبش‌های اسلامی و طرح مسأله رابطه دین و سیاست انجامید، با گذشته تفاوت‌های اساسی دارد. پیدایش جنبش‌های اسلامی در قرن بیستم بیشتر بر اساس نیازهای نوین و به تقلید از جنبش‌ها و احزاب سیاسی اواخر قرن نوزدهم در غرب شکل گرفت. به عبارت دیگر، نوع درگیر شدن مسلمانان به ویژه نخبگان اسلامی در سیاست در دوره معاصر با گذشته تفاوت اساسی دارد. هدف جنبش‌های اسلامی معاصر بیشتر توسعه گسترده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام در برابر رقیب اصلی آن یعنی غرب بود تا گسترش عقاید فرقه‌ای و یا براندازی حکومت‌های محلی.

یکی از عمده‌ترین اهداف جنبش‌های اسلامی معاصر، چه از نوع سنی و چه شیعه آن، استقرار حکومت اسلامی به جای حکومت‌های نوگرای موجود در جهان اسلام بوده است (احمدی، ۱۳۹۱: ۲۶-۲۵)؛ بنابراین جنبش‌های اسلامی معاصر حول محور اسلام سیاسی شکل گرفتند.

اسلام سیاسی اصطلاحی است که برای اختصار تنوع نظریه‌های سیاسی در جامعه اسلامی به کار می‌رود. با ورود به قرن بیستم، گفتمان اسلام سیاسی دچار تحول اساسی شد. به عبارتی در قرن نوزدهم مخاطب اسلام سیاسی استبداد داخلی و استعمار خارجی بود، اما در قرن بیستم، گفتمان اسلام سیاسی بیشتر در تبیین یک هویت اجتماعی تلاش می‌کند (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۸۴). گفتمان اسلام سیاسی قرن بیستمی در چارچوب دین، معتقد است که دین، مجموعه منسجمی را تشکیل می‌دهد که می‌تواند مبنایی برای تدبیر امور فردی و اجتماعی افراد باشد. دین، طرحی برای زندگی است و همانگونه که لیبرالیسم، کمونیسم و ناسیونالیسم می‌تواند مبنای نظم اجتماعی قرار بگیرد، اسلام نیز این قابلیت را دارد که تبدیل به یک برنامه زندگی اجتماعی و سیاسی شود و حتی می‌توان گفت که دین و برنامه اسلامی، در مقایسه با برنامه‌های دیگر دارای برتری‌های ذاتی است و برخلاف ایدئولوژی لیبرالیسم و کمونیسم که ساخته و پرداخته دست انسان است، اسلام طرحی آسمانی است. در همین راستا حسین نصر، روشنفکر مسلمان، آرمان‌ها و آمال اسلام‌گرایان در قرن بیستم را اینگونه بیان می‌کند: «اسلام‌گرایان به دنبال ایجاد یک جامعه "نومراتیک" هستند که در آن مردان و زنان طبق اراده خداوند که در شریعت تبلور یافته زندگی می‌کنند. این جامعه طبق آن دسته از تعهدات و سنت پیامبر که خود الگویی است برای زندگی افراد بشر، تصویب و تدوین قوانین جامعه اسلامی شکل می‌گیرد» (White, ۲۰۰۷: ۱۵).

در قرن بیستم به دنبال تحولاتی که در سطح منطقه و جهان اتفاق افتاد جریان اصلاح‌طلبی دینی دچار یک سلسله گسست‌ها، تغییرات، تحولات و تمایزهای اساسی شد. این جریان فکری جدید در قرن بیستم به ویژه در دهه ۵۰ و ۶۰

میلادی به اوج خود رسید. هرچند بودند کسانی که کماکان پیرو افکار سیدجمال و عبده بودند، ولی در اقلیت قرار داشتند؛ بنابراین به مرور زمان در قرن بیستم شاهد شکل‌گیری جریان جدیدی هستیم که ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی دارد. این ویژگی‌ها جریان‌های جدید را از جریان‌ات اصلاح‌طلبی متمایز می‌کند به عبارتی، در کنار اصلاح‌طلبی دینی ما شاهد شکل‌گیری یک جریان اسلامی جدید هستیم که دارای نقاط تمایزی با جریان اصلاح‌طلبی دینی قرن نوزده است. این جریان جدید با هویت جدید در مواردی پیرو جریان اصلاح‌طلبی قرن نوزدهم می‌باشد، اما در بسیاری از موارد جریان جدید اسلام‌گرایی در قرن بیستم جریان گذشته را به مبارزه فکری و سیاسی جدی فراخوانده و منتقدان بوده است. اولین ویژگی این جریان ارائه یک قرائت متفاوت از دین اسلام بود. جران جدید، دین اسلام را دینی جامع، کامل و فراگیر تعریف کرد و قرائتی حداکثری و ایدئولوژیک از آن ارائه داد و معتقد است که اسلام دینی است که در برگیرنده تمام شئون انسانی است؛ ارائه این هویت دینی نوین ابعادی ایدئولوژیک گفتمان اسلام سیاسی را وارد مراحل‌های نوین ساخت (Blanks & Frassetto, ۱۹۹۹: ۸۸).

جریان اسلام‌گرایی در قرن بیستم بر خلاف جریان‌های اصلاح‌طلبی قرن نوزدهم قرائتی شالوده‌شکنانه را از اسلام ارائه می‌دادند و این جریان به باورهای اسلامی و به خصوص به اسلام به مثابه «دالی» متعالی در قلمرو و عرصه مسائل و مباحث اجتماعی و سیاسی می‌نگریستند. جریان اسلام‌گرایی در قرن بیستم با به کارگیری کلمات رقیق به تفسیر و تأویل کلمات غلیظ و اندیشیدن با کلمه نهایی (بومی) اسلامی برای بیان امیدها و آمل، بودن‌ها و شدن‌ها، حال و آینده و تعریف و باز تعریف خود بهره بردند در همین راستا این جریان به سامان دادن به مفصل‌بندی گفتمانی مدرن خارج از مدرنیته غربی روی آورد (قوام، ۱۳۸۲: ۳۵۵).

### شاخصه‌های تأثیرگذار انقلاب اسلامی ایران بر انقلاب‌های عربی

در تبیین نسبت قدرت نرم و انقلاب، سؤال مهم این است که آیا می‌توان انقلاب‌ها را در بردارنده قدرت نرم دانست؟ تجارب انقلاب‌های مردمی به ویژه انقلاب

اسلامی ایران نشان می‌دهد، انقلاب‌ها دارای قدرت نرم فوق‌العاده‌ای هستند؛ چرا که نثار جان در راه انقلاب در چیزی بیش از ترغیب یا تهییج مردم نهفته است (نای، ۱۳۸۶). قدرت نرم انقلاب‌ها در توانایی جذب مردم به گونه‌ای است که اغلب به رضایت و تسلیم شدن آنها منجر می‌شود. انقلاب، اساساً مظهر غلبه قدرت نرم انقلابیون بر قدرت سخت رژیم‌های مستقر به شمار می‌روند. سرمایه انقلاب‌ها، قدرتی جز اقناع و تسخیر قلوب مردم خود و ملت‌های دیگر نیست. در واقع انقلاب‌ها دارای قدرتی مردمی، غیررسمی و ظرفیت‌های فرهنگی زیادی هستند که به کمک آن در چشم دیگران مشروعیت می‌یابند و با جذب و اقناع سایرین به الگو و منبع الهام‌بخش آنها تبدیل می‌شوند (بیکی، ۱۳۸۸: ۱۳). پدیده «صدور انقلاب» نیز اصولاً در انقلاب‌ها با پشتوانه قدرت نرم آنها رخ می‌دهد؛ یعنی ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب بدون نیاز به تشویق، تهدید یا تطمیع دیگران، مخاطبان و پیروان خود را در سراسر جهان می‌یابند و در قلب و روح آنان رسوخ می‌کند. مهم‌ترین ویژگی‌های قدرت نرم انقلاب‌ها را می‌توان به ترتیب زیر احصا کرد:

۱) گستره و برد آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب‌ها، فراگیر، جهان‌شمول و فراتر از مرزهای جغرافیایی- سرزمینی ملی است و با مرزهای کرامت انسانی انطباق می‌یابد.

۲) راهبرد و رهیافت قدرت نرم انقلاب‌ها تسخیر قلمرو اذهان، باورها، ایدئولوژی و جهان‌بینی ملت‌ها و فرهنگ‌هاست و نیازی به تصرف جغرافیای سرزمینی نیست.

۳) آسیب‌پذیری و فرسایش قدرت نرم نامحسوس است؛ بنابراین تخریب فکری و فرهنگی که در آن ذهن‌ها و اندیشه‌ها آسیب می‌بیند، به آسانی بازسازی نمی‌شود.

۴) کارکرد مؤلفه‌های قدرت نرم، عمیق و پایدار، بلندمدت، پرجاذبه، پربازده و کم‌هزینه‌تر از سایر انواع قدرت است. از آنجا که قدرت نرم به صورت تدریجی عمل می‌کند و می‌تواند با تفسیر سیاست‌های فکری و فرهنگی به ایجاد تغییرات و راهبردی یاری رساند، از اثرگذاری بیشتر و مداوم‌تری برخوردار است.

با اهمیت یافتن قدرت نرم در کنش‌های سیاسی و اجتماعی، می‌توان تعبیری جدید از «انقلاب‌های مردمی و مسالمت‌آمیز» ارائه کرد که همانا انقلاب نرم<sup>۱</sup> است. این مفهوم در بدو امر، متناقض تصور می‌شود؛ چراکه طبق تعاریف کلاسیک، صرفاً «تغییرات بنیادین همراه با خشونت» در زمره انقلاب‌ها قرار می‌گیرند. امروزه «انقلاب‌های نرم» که با وقوع انقلاب اسلامی ایران عینیت یافته بود، جذابیت بسیار بیشتری از سایر روش‌های تغییر، ساختار پیدا کرده است. انقلاب نرم، نوعی تغییر کیفی، تدریجی، بنیادین و همه جانبه (سیاسی، فرهنگی و ...) و مسالمت‌آمیز توسط مردم است که درصدد درانداختن ساختار و رفتار جدید می‌باشند.

از آنجاکه در یمن، بحرین، مصر و تونس انقلابیون توانسته‌اند قدرت را که از نیروهای اجتماعی بیرون از کنترل دولت می‌جوشد و توسط مردم اعمال می‌شود، به کار گیرند، نوعی انقلاب نرم را رقم زده‌اند. در واقع اشتیاق مردم این کشورها به معنویت‌گرایی، آزادی‌خواهی و سیاست اخلاقی، موجب بازتولید رفتار آنها در قالب‌های غیرخشن می‌شود. جنس قدرت نرم به حدی اصیل و مستحکم است که عموماً با ابزار سخت و خشن، شکست نمی‌خورد. از این رو به راهبرد انقلاب‌های نرم تبدیل شده است. کاربرد زور علیه قدرت و انقلاب‌های نرم بر محبوبیت و مقبولیت آن می‌افزاید. در تاریخ معاصر، انقلاب اسلامی ایران به عنوان کانون عملیاتی‌سازی و صدور قدرت نرم به سایر ملل شناخته می‌شود. شناخت مؤلفه‌های این نوع قدرت، ارزیابی تأثیر آن بر انقلاب‌های عربی را تسهیل می‌کند (جمالی، ۱۳۹۰: ۴).

### تأثیر قدرت نرم انقلاب اسلامی بر انقلاب‌های عربی

نوع و نحوه تأثیر مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی را می‌توان در مواضع، اهداف، شیوه رفتاری و خواسته‌های انقلابیون عرب جستجو کرد. در واقع بررسی نشانه‌ها، علائم و نیت مردم انقلابی تونس، مصر، یمن، بحرین و لیبی در مراحل

<sup>۱</sup>. Soft Revolution

مختلف قبل، حین و پس از پیروزی انقلاب‌ها نشان می‌دهد که آنها در واقع چه می‌خواهند و از کدامیک از مؤلفه‌های انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفته و درصدد دستیابی به آن هستند. برخی از مهم‌ترین نمودها و بروزهای قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در پیدایش، گسترش و پیروزی انقلاب‌های عربی را می‌توان در موارد زیر جستجو کرد:

### ۱) نمادگرایی، هویت اسلامی و ایدئولوژی سیاسی

به رغم آنچه گفته می‌شود انقلاب‌های عربی دارای ماهیت غیرایدئولوژیک و عرفی هستند (سبحانی، ۱۳۹۰: ۴). بسیج طیف گسترده‌ای از اقشار و اصناف مختلف مردمی بدون وجود انگاره‌ها و آرمان‌های مبتنی بر یک ایدئولوژی منسجم، هر چند آن ایدئولوژی به ظاهر ملفوف و مسکوت باشد، بسیار دشوار است. محصول به صحنه آمدن یک ایدئولوژی سیاسی و اجتماعی، شکل‌گیری یک سیستم فکری منسجم و هدفدار سیاسی است. ایدئولوژی زبان شعارگونه دارد و از بسیاری نمادها بهره می‌گیرد. استفاده از نمادها برای گردآوری پیروان هم‌فکر و هم‌سو حول یک باور و نماد مشترک صورت می‌گیرد. در شرایط منجر به انقلاب‌های عربی، عنصر خودآگاهی و هویت‌یابی اسلامی بسیار پررنگ شده است. بیش از یک قرن در غرب آسیا (خاورمیانه) احساس تحقیر و عقب‌افتادگی مطرح بوده و مسلمانان به دنبال خروج از آن وضعیت بوده‌اند. در حقیقت از این شرایط، سنتزی جدید پدید آمده است که اعراب به دنبال تعریف هویت اسلامی مترقیانه برای خود می‌کشاند. نشانه‌های کنونی هویت‌جویی اسلامی در غرب آسیا که بیش از هر چیز بر توده‌های خواهان حکومت مردمی استوار شده است، پدیده‌ای نو به شمار می‌رود. برای مثال، مردم بحرین با پرچم‌های «یا حسین (ع)» به خیابان‌ها آمده و با ندای یا علی (ع) و یا زهرا (س) به خاک افتاده و به شهادت رسیده‌اند. آمیخته شدن راهپیمایی‌های مردم بحرین با سینه‌زنی و پوشانیدن تابوت‌های شهدا با پارچه‌های مزین به عبارت «علی ولی‌الله»، اقامه نمازهای جمعه و جماعت در معابر عمومی، انجام شعائر اسلامی در مراکز دولتی و ... نشانه‌های از این هویت‌طلبی اسلامی

سرکوب شده هستند؛ بنابراین، این یک فرصت تاریخی برای شکل‌گیری هویت اسلامی به معنای واقعی است. این هویت اسلامی نه از درون دولت‌ها بلکه با یک جریان مردمی و از متن شکل می‌گیرد (جمالی، ۱۳۹۰: ۸).

در انقلاب‌های عربی همانند انقلاب اسلامی، به همان اندازه که نمادگرایی شدید وجود دارد، نمادزدایی از طاغوت و استبداد نیز شدت یافته است. رفع نشانه‌هایی مانند تصاویر حسنی مبارک و پسرش (جمال)، قذافی، آل‌خلیفه، علی عبدالله صالح و ... با اشتیاق زایدالوصف توسط انقلابیون انجام شد. «نمادهای مکانی» نیز به کانون همبستگی فزاینده مردم انقلابی عرب تبدیل شده بود. میدان التحریر در قاهره یکی از مکان‌های مهم است و این میدان بی‌تردیدی نقطه عطف در تاریخ انقلاب مصر تبدیل شد. این مکان که نام فارسی آن میدان آزادی است در قیام مردم ایران نیز چنین نقشی ایفا کرد و سال‌ها تصاویر جمعیت گردهم آمده در این میدان، پوستر دیوارها شده است. تجمع گسترده و مداوم مردم انقلابی به ویژه جوانان در میدان التحریر، میدان التعلیر صنعا و تحصن میدان اللؤلؤ منامه (توسط انقلابیون به میدان شهدا تغییر نام یافت)، آنها را به مراکز نمادین قدرت انقلاب‌های عربی تبدیل کرد. در این میادین چادرهایی به نشانه جدیت معترضان و اقامت آنان تا اخذ نتیجه برپا شد (جمالی، ۱۳۹۰: ۸).

## ۲) معنویت‌گرایی در سیاست

یکی از جامع‌ترین تعاریفی که از قدرت نرم شده است، تعریفی است که جوزف نای ارائه کرده است؛ او قدرت نرم را عبارت از «توان شکل‌دهی به ترجیحات دیگران از طریق قدرت جذابیت» می‌داند (نای، ۱۳۸۷: ۴۳). که در فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی یک کشور متجلی می‌شود (نای، ۱۳۸۷: ۵۱). مسلم است که توانایی شکل‌دهی ترجیحات دیگران نیازمند یک کار فرهنگی است و از طریق تأثیرگذاری بر ذهن و روان مخاطبان انجام می‌پذیرد و آنها را قانع می‌سازد که موضوعی را

بپذیرد یا مانند آن عمل کنند و به هیچ وجه چنین امری از طریق کاربرد زور فیزیکی امکان پذیر نخواهد شد.

هر چند شاید انقلاب‌های عربی به طور دقیق و کامل از جنس و گونه‌ای که در ایران رخ داد، نباشد، اما فاقد نشانه‌های اسلامی و معنوی نیست؛ یعنی در این انقلاب‌ها همانند انقلاب اسلامی ایران، رهبران دینی در خط مقدم مبارزه قرار ندارند، بلکه روشنفکران و علما، پشت سر مردم و دنباله‌رو تحولات هستند و این از تمایزات انقلاب‌های عربی با انقلاب اسلامی است. اما آرمان‌ها و نمادهایی وجود دارد که می‌توان گفت جریان‌های اسلامی در شکل‌گیری این جنبش مؤثر بوده‌اند و در تحولات بعدی آن نیز نقشی مهم خواهند داشت. برای نمونه، در تونس که حجاب ممنوع بود و به شدت با مسلمانان برخورد می‌شد، زنان محجبه حضوری پررنگ در اعتراضات داشتند و چون در این کشور مساجد تحت فشار بودند و به صورت امنیتی اداره می‌شدند، نخستین پدیده‌ای که پس از پیروزی رخ می‌دهد، برپایی نماز جماعت در تظاهرات و در سطح خیابان‌هاست؛ یعنی اینکه نمی‌توان نقش اهداف و سمبل‌های مذهبی در این انقلاب را نادیده گرفت (نوربخش، ۱۳۹۰: ۹). آغاز تحرکات اعتراضی از مسجد و با انجام مناسک دینی نظیر نماز جمعه و نمازهای جماعت، آمیختگی جدانشدنی و تمایزناپذیر ادبیات مردم و جوانان با ادبیات دینی آنچنان برجستگی دارد که هیچ استشهادی برای اثبات آن لازم نیست. جای تردید نیست که فرآیند تحولات درونی جنبش‌های کنونی در مجموع به سوی انطباق هویت اجتماعی - دینی با هویت سیاسی پیش می‌رود. این فرآیند از وجهی یا به شکل‌گیری جریان‌ها و نیروهای سیاسی - معنوی تازه منجر خواهد شد، یا اینکه به تحول جریان‌ها و نیروهای موجود در مسیر دستیابی به توان لازم برای انعکاس هویت دینی و اجتماعی در چارچوب هویت سیاسی معنویت‌گرا منتهی می‌شود.

این همان معنای قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران است که بدون کاربرد زور و تنها به خاطر این که این عمل مورد رضایت انقلابیون است و آن را راه مناسبی برای

خواسته خود می‌یابند، بدان کار مبادرت ورزیده‌اند؛ بنابراین، قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در ماهیت فرهنگی آن نهفته است که می‌تواند توسط کشورهای هم آیین به بهره‌برداری برسد (جمال‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۱).

### ۳) ضدیت با رژیم‌های دیکتاتور و ضد اسلامی

یکی دیگر از شاخصه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران ضدیت و مبارزه با رژیم‌های دیکتاتور و مستبد و ضد اسلامی است؛ چراکه اساساً شکل‌گیری انقلاب اسلامی در سرزمینی بود که یک حاکم مستبد و دیکتاتور بر آنجا حکومت می‌کرد. پس اشاعه این انقلاب قدرت نرم انقلاب اسلامی به انقلاب‌های عربی دلیلی دیگر بر تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر این انقلاب‌ها است. مردم تونس، مصر، لیبی و یمن حاکمانی را سرنگون کردند که ماهیت آنها کاملاً دیکتاتوری و ضد اسلامی بود و همگی دست‌نشانده غرب و آمریکا بودند. این حاکمان به ظاهر اسلامی، پس از روی کار آمدن، مبارزه گسترده‌ای را در جهت مقابله با اسلام و فرهنگ اسلامی و گروه‌های اسلام‌گرا در کشور خویش آغاز نمودند تا آنجا که نمادهای اسلامی را محو کردند که نمونه‌های آن، جلوگیری از برگزاری نماز جمعه و جماعات و منع حجاب و برپایی مراکز فساد و فحشا و رباخواری و ظلم در سیستم اداری و ... بود (عباسی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

### ۴) روحیه شهادت‌طلبی

ناب‌ترین درسی که شیعیان از نهضت امام حسین(ع) می‌گیرند، آرزوی شهادت در راه آن حضرت است. این خصیصه منبعی از قدرت نرم ایجاد می‌کند که هیچ کدام از انواع قدرت سخت و نرم در برابرش تاب مقاومت ندارد. «یک دیکتاتور ظالم می‌تواند یک مخالف را حبس یا اعدام کند، اما اگر آن شخص مسأله مرگ را برای خودش حل کرده باشد (مثلاً شهادت‌طلب باشد) در آن صورت این قبیل کارها دیگر باعث اثبات قدرت دیکتاتور نمی‌شوند» (نای، ۱۳۸۷: ۳۹). مردم ایران در مبارزات نهضت ملی شدن نفت وقتی با ماشین‌های آب‌پاش شهرداری مواجه

می شدند، پا به فرار می گذاشتند، اما وقتی حرکت اجتماعی آنان در مکتب شهادت طلبی امام حسین (ع) باز تفسیر شد، با سیل انبوه به سوی نیروی مسلحی که آنان را به شهادت می رساندند هجوم برده و با فریاد رسا می گفتند: توپ، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد.

فوکو می گوید وقتی درست پس از کشتار ماه سپتامبر (۱۷ شهریور) به ایران وارد شدم، به خود می گفتم که با شهری وحشت زده روبه رو خواهم شد؛ چون در آنجا چهار هزار نفر کشته شده بودند، نمی توانم بگویم که در آنجا مردانی شاد و مسرور دیدم، اما از ترس، خبری نبود و حتی شجاعت شان بیشتر هم شده بود. به عبارت دقیق تر؛ وقتی مردم خطر را بی آنکه دفع شده باشد، پشت سر می گذارند، شجاعت شان بیشتر می شود. مردم در انقلاب شان خطر مسلسل هایی را که همیشه در مقابل شان قرار داشت پشت سر گذرانده بودند (فوکو، ۱۳۸۰: ۶۳).

کلر برییر، خبرنگار روزنامه لیبراسیون می گوید: «در ایران همواره از حسین (ع) سخن می گویند. حال حسین کیست؟ یک ظاهرکننده، یک شاهد (یک شهید) که با رنج خود علیه بدی ظهور کرد و مرگش با شکوه تر از زندگی فاتحش بود. مردمی که با دست خالی تظاهرات می کردند، نیز شاهد بودند. آنان بر جنایت های شاه، جنایت های ساواک، بی رحمی رژیم که دیگران آن را نمی خواستند و بر شری که این رژیم تجسمش می بخشید، شهادت می دادند».

پییر بلاشه نیز می گوید: «مردم ایران با فریاد خستگی ناپذیر شهید، شهید؛ شاه را بیرون کردند» (فوکو، ۱۳۸۰: ۶۱). امام خمینی (ره) فرمود: «منطق، منطق صدر اسلام است. اگر بکشیم به بهشت می رویم و اگر کشته بشویم، به بهشت می رویم. این منطق شکست ندارد» (خمینی، ۱۳۶۰: ۲۶۶-۲۷۱).

هر اندازه رسانه های خارجی تلاش کنند تا ماهیت اسلامی و استکبارستیز این بیداری و انقلاب سراسری را نبینند و این حرکت اسلامی و مردمی را صرفاً اعتراضی در راستای برقراری دموکراسی ارزیابی کنند، اما بهره گیری از مفهوم

شهادت و شهید برای کشته‌شدگان نشان‌دهنده ماهیت اسلامی، ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی مردم است. شیخ مظهر شاهین، خطیب انقلابی و امام جماعت مسجد «عمر مکرم» قاهره در جمع حاضر در میدان التحرير با ابراز انزجار از آمریکا و اسرائیل، شهادت را آرزوی مصر می‌داند و می‌گوید: «از امروز دیگر هرگز نخواهیم ترسید و فرار نخواهیم کرد و به انقلاب باشکوه خود ادامه خواهیم داد تا مجد و بزرگی به امت اسلامی برگردد و به دنبال آرزوی شهادت هستیم و به پیروزی انقلابمان ایمان نخواهیم آورد مگر آنکه در مسجدالاقصی نماز گذاریم» (عباسی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۱-۱۲۰).

### ۵) خلق اراده جمعی، مردم‌گرایی و عدم خشونت

حضور اقشار مختلف مردمی در متن اعتراض‌ها، یک ویژگی مهم انقلاب مصر بود که در آن احزاب و گروه‌های الغد، الوفد، التجمع، اخوان المسلمین، حزب ناصری، «جمعیت ملی برای تغییر» و حتی برخی شخصیت‌های مشهور و مستقل به تدریج اعلام همبستگی و حضور کردند (Goldstone, ۲۰۱۱). در بحرین شعار «نه شیعه، نه سنی، بحرینی» پاسخی روشن به تاکتیک آل‌خلیفه است که می‌کوشید انقلاب بحرین را به شیعیان محدود کند. در مصر نیز مسلمانان و مسیحیان کنار هم در میدان التحرير تجمع کردند. در یمن، طیف چپ‌گرایان و ملی‌گرایان جنوب دست اتحاد به شیعیان الحوثی شمال دادند. این به معنای شکل‌گیری و گسترش اراده جمعی بین مردم کشورهای انقلابی است. اما این اراده جمعی از فقدان رهبری واحد رنج می‌برد و این نیز از تمایزات برجسته انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های منطقه غرب آسیا است. انقلاب‌های اخیر، فاقد تشکیلات منسجم و رهبرانی مقتدر برای سازماندهی اصولی اعتراض‌ها هستند. در واقع اکثریت مردم این کشورها «معترضانی» بدون سازمان و رهبری هستند. اما قدرت بسیج بالایی دارند و قادرند یک یا دو میلیون نفر را به میدان شهرها بکشانند.

نفی خشونت و سرنگونی تدریجی و مسالمت‌آمیز حکومت یکی از رویکردهای مهم مبتنی بر مردم‌محوری است. این شیوه رفتار تا پیش از این، منحصر به انقلاب اسلامی بوده است. شیوه رفتار انقلاب‌های مصر، یمن، تونس و بحرین به روشنی نمایانگر نوعی عقلانیت جمعی است. در لیبی دولت حاکم در صدد راه‌اندازی جنگ داخلی به منظور سرکوب انقلابیان برآمد؛ بنابراین، خشونت‌ها ادامه یافته است. جوانان مصری بارها در برابر هرگونه اعمال شرایط خشونت داخلی، مشی خود را مسالمت‌آمیز ذکر کرده‌اند. انقلابیون مصری در گفتار و رفتار نشان دادند که، در شرایط نابرابر حاکم، فعالیت مدنی و تنظیم روند فرسایشی، راهبردی نتیجه‌بخش است (Hamid, ۲۰۱۱).

این نخستین تغییر مردمی در جهان عرب به شمار می‌رود. انقلاب تونس، نخستین انقلاب در میان ۲۲ کشور عربی است که مردم به خیابان‌ها آمده و خواست اجتماعی خود را برای برکناری دولتی طاغوتی وابسته به بیگانه به نمایش گذاشته‌اند.

## ۶) اسلام شیعی

نخستین تحلیل‌های محققان پدیده انقلاب اسلامی برای تبیین کانون جوشان انقلاب اسلامی، توجه به مذهب تشیع بوده است. اسکاچپل می‌نویسد: «اسلام شیعی هم از نقطه نظر سازمانی و هم از لحاظ فرهنگی برای ایجاد انقلاب ایران علیه شاه نقش تعیین‌کننده داشت. روحانیان انقلابی که تابع آیت‌الله خمینی بودند عقاید سیاسی را تبلیغ می‌کردند که شاه را زیر سؤال می‌برد. سپس شبکه‌ها، روش‌های اجتماعی و اسطوره‌های اصلی شیعه به ایجاد هماهنگی در نهضت توده‌ای شهری و خلق اراده اخلاقی در آن برای مقاومت در برابر اختناق و سرکوب مسلحانه، کمک نمودند. همه اینها بدین معنی بود که یک بخش بسیار سستی از زندگی ایران، ارائه‌کننده منابع سیاسی حیاتی برای شکل دادن به یک نهضت اسلامی با چهره‌ای بسیار مدرن بود» (اسکاچپل، ۱۳۷۹: ۲۰۵).

مفهوم عدالت، نظریه امامت، غیبت و انتظار، اجتهاد، شهادت، تقیه، بازخوانی امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، تولی و تبری، نمادهای روشن تاریخی (حکومت عدل امیرالمؤمنین(ع)، قیام عاشورا، شهادت همه امامان معصوم علیه السلام) عوامل حرکت آفرین شیعی در انقلاب اسلامی بوده‌اند (هنری لطیف‌پور، ۱۳۸۰: ۸۲-۷۹).

در همین راستا، مخازن فکری آمریکا از سال‌ها قبل سناریوهای جغرافیای سیاسی شیعه را به عنوان یکی از اولویت‌های مطالعاتی خود تعریف کرده‌اند. برای مثال، مرکز پژوهشی «شورای روابط خارجی»<sup>۲</sup> که اثرگذاری قابل توجهی بر کانون‌های قدرت و ساختارهای حاکمیتی دارد، در پنجم ژوئن ۲۰۰۶ میزگردی را با عنوان «بررسی هلال شیعه: آثار آن بر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا» به ریاست «ریچارد هاس»<sup>۳</sup> برگزار و تصریح کرد جغرافیای سیاسی شیعه در خاورمیانه، پتانسیل بالایی برای شکل‌گیری برخی خیزش‌های دموکراتیک در میان مدت دارد که در برخی حوزه‌ها، اصطکاک‌هایی را با منافع خاورمیانه‌ای آمریکا دارد. از منظر ریچارد هاس آینده تحولات خاورمیانه حوزه رقابت قدرت نرم آموزه‌های دین اسلام و قدرت نرمی است که جوزف نای بر آن تأکید می‌نمود که مبتنی بر فرهنگ لیبرال دموکراسی است، اما این بار این قدرت در خاورمیانه اسلامی بر اساس قدرت نرم اسلام و انقلاب ایران در حال شکل‌گیری است (THE Emerging Shia Crescent Symposium, ۲۰۰۶). این بیان یادآور سخنی است که بیش از بیست سال پیش «دانیل پایپس»<sup>۴</sup> رئیس انستیتوی پژوهش‌های سیاست خارجی آمریکا، در سمیناری که در پاییز ۱۳۶۸ در شهر استانبول ترکیه برگزار شده بود، از وحشت غرب از تجدید حیات اسلام بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، و سرایت آن به سایر ملل مسلمان اینگونه بیان کرده بود: «آمریکا نخواهد توانست با مسلمان‌ها سازش کند؛ زیرا آنها قصد دارند ما را به لحاظ نظامی از خاورمیانه بیرون برانند، بلکه از جهت فرهنگی نیز چنین قصدی دارند... ما نمی‌توانیم با آنها همزیستی

<sup>۲</sup>. Council on Foreign Relation

<sup>۳</sup>. Richard N. Hass

<sup>۴</sup>. Daniel Pipes

مسالمت آمیز داشته باشیم؛ زیرا ما با آیت الله خمینی هیچ نقطه مشترکی نداریم.... ما تا ده سال پیش حساسیت خاصی نسبت به اسلام نداشتیم، اما امروز این طور نیست و همه ما نسبت به این پدیده جدید در ایران و برخی از کشورهای دیگر باید با حساسیت بیشتری برخورد کنیم. امروز مسلمانان به ایران نظر دارند و از آن الگو برداری می کنند. امروز ایران به مثابه یک آزمایشگاه است؛ اگر این تجربه موفق شود، جسارت مسلمانان کشورهای دیگر هم بیشتر خواهد شد. مسلمانان دنبال این هستند که اسلام را به عنوان یک مکتب کامل ارائه نمایند، اما برای ما قابل تحمل نیست» (مجله ۱۵ خرداد، ۱۳۶۹: ۵).

## ۷) ساختار و قدرت شبکه ای

انقلاب اسلامی ایران، مبتکر بهره گیری از قدرت شبکه ای مهارناپذیر مردمی شناخته می شود. پیوند عمیق شبکه مساجد، حسینیه ها، حوزه های علمیه، جلسات وعظ و سخنرانی مذهبی، علما و روحانیان، مراکز و نهادهای خیریه و ...، طیف وسیعی از نیروهای انقلابی ایران را دور از دست اندازی حکومت پهلوی به یکدیگر متصل می نمود. در روند شبکه ای شدن قدرت در انقلاب های عربی، امور و مسائل سیاسی نه امری مستقل و خارج از زندگی اجتماعی بلکه جزئی از زندگی روزمره فردی محسوب می شود و از طریق شبکه های اجتماعی دنبال می شود. در انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۸۹ مصر، این نقش را شبکه های اجتماعی ارتباطی - الکترونیک پیشرفته ایفا می کنند. حاضر در خیابان های قاهره و دیگر شهرها را نیز اعضای ناشناس، اما مصمم، همین شبکه های قدرت مردمی، تشکیل می داد (Bayat, ۲۰۱۱). این مشارکت شبکه ای و گسترده، به معنای مشارکت همگانی در شکل دهی به دنیای جدید است و سبب می شود پیش برد اهداف جنبش به شخص یا اشخاص خاصی وابسته نشود. به نظر می رسد، جنبش های اجتماعی از این پس، دست کم در مراحل آغازین، بیش از سازماندهی و رهبری به پیدایی و گسترش شبکه های اجتماعی و قدرت شبکه ای نیاز دارند (نبوی، ۱۳۹۰). در انقلاب های عربی، اکثریت مردم نقش آفرینی گسترده ای در تداوم انقلاب دارند. ابتکاراتی مانند تجمع در میادین اصلی شهرها، برپا کردن

چادر، بیتوته کردن در میادین و خیابان‌ها، پشتیبانی و تدارکات همگانی و... در نتیجه ارتباطات شبکه‌ای- افقی و همگانی حاصل شده است.

## ۸) مبارزه با صهیونیسم

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حمایت از حرکت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش به ویژه در فلسطین از نقش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد. انقلاب اسلامی ایران با تبیین اینکه «اسلام راه‌حل و جهاد وسیله اصلی است» به مبارزات مردم فلسطین و انتفاضه آنان جنبه‌ای فراملی بخشید و مبارزه با رژیم صهیونیستی را جهانی کرد. اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز جهانی قدس از سوی امام خمینی، شش ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نشان از عمق توجه ایران اسلامی به مسأله فلسطین و اعتقاد به حمایت از مبارزات آنان داشت. انقلاب اسلامی ایران توانست با ارتقای بیداری و آگاهی جهان اسلام به آرمان فلسطین، مظلومیت‌های مردم مبارز فلسطین را برملا سازد و از فلسطینیان بی‌پناه در برابر جنایات رژیم صهیونیستی حمایت جهانی به عمل آورد. بدین ترتیب، خارج کردن مبارزات ضد صهیونیستی از حصارهای تنگ قومی، عربی، سرزمینی و ملی‌گرایانه و بخشیدن جنبه‌ای اسلامی و ایدئولوژیک به آن، موجب گردید مبارزات مردم فلسطین ابعاد گسترده‌تری یابد. از این رو، انقلاب اسلامی ایران موجب شد تا اسلام مجدداً وارد صحنه مبارزه شده و نهضت فلسطین با محوریت اسلام به مقابله با رژیم اشغالگر صهیونیست تداوم بخشد. در واقع، با پذیرش نمادها و شعارهای انقلاب اسلامی به عنوان اصول اساسی جهاد از سوی گروه‌های اصولگرای اسلامی و تأکید آنان بر شهادت، فداکاری و سلحشوری در راه هدف، انقلاب اسلامی توانست نقش خود را در جهانی کردن مسأله فلسطین و تعمیق مبارزات آزادی‌بخش اسلامی در فلسطین، مبارزه با صهیونیسم را ابعادی جهانی بخشد و نقش خود را در گسترش بعد مبارزاتی جهانی اسلام با رژیم صهیونیستی به منصفه ظهور رساند (دهشیری، ۱۳۸۵: ۷۸).

یکی از علل ایجاد حرکت‌های اعتراضی در این کشورها و نشانه اسلام‌خواهی آنها، دوستی دولت‌های این کشورها با رژیم اسرائیل است که موجب خشم و تنفر و تحقیر مردم این مناطق شده است. بی‌شک رژیم صهیونیستی مهم‌ترین بازنده تحولات جهان عرب است. سرنگونی مبارک، تقویت مطالبات مردمی و اسلام‌گرایی مردم عرب باعث مخالفت بیش از پیش با این رژیم شده است. جهان عرب، هم به دلیل ایدئولوژی و هم از لحاظ ملی‌گرایی نسبت به موضوع فلسطین زخم خورده‌اند. از بین رفتن حکومت‌های سرکوبگر و همراه با این رژیم، مجال دشمنی و ستیز آشکار با اسرائیل را وسیع‌تر کرده است. تسخیر سفارت رژیم اسرائیل در قاهره به همراه تظاهرات پی‌درپی به منظور قطع روابط سیاسی و الغای پیمان کمپ دیوید، نمونه‌ای از این تحول درونی مصر پس از انقلاب است (میلشتاین، ۱۳۹۰: ۲۹۲).

در بحبویه انقلاب مصر، گروه «شباب الثورة» در فیس‌بوک اعلام می‌کنند که درصدد تدارک یک راهپیمایی بزرگ به سوی مرز فلسطین هستند تا مرز رفح را باز کرده و وارد فلسطین شوند. طبق تأکید آنها اگر تعداد ثبت‌نام‌کنندگان به تعداد یک میلیون نفر برسد، آن اقدام انجام خواهد شد. طی دو روز بیش از ۲۵۰ هزار نفر ثبت‌نام کردند. به گونه‌ای که مدیران فیس‌بوک تحت فشار مقامات اسرائیلی این صفحه را حذف کردند! با بازگشت صفحه مذکور طی چهار روز ۷۵۰ هزار نفر علیه حکومت صهیونیستی ثبت‌نام کردند (نیازی، ۱۳۹۰: ۷).

### ایران و تحولات مصر: بیداری اسلامی

با شروع انقلاب در مصر، مقام‌های جمهوری اسلامی، این اعتراضات را حرکت و خیزشی اسلامی معرفی کرده و به حمایت از آن پرداختند. آیت الله خامنه‌ای با اشتراک‌یابی تحولات منطقه و وقایع روی داده در زمان انقلاب اسلامی، از آن به عنوان بازتاب انقلاب ایران یاد کرده و بیان می‌دارد که باید تلاش کرد ضمن رمزگشایی و تبیین تحولات رخ داده، با کمک‌رسانی به انقلابیون اصیل این

کشورها، اولاً مانع مصادره و انحراف انقلاب توسط کشورهای غربی و دست‌نشانندگان آنها شد و ثانیاً روش حکومت‌داری را در این کشورها پایه‌ریزی کرد که در راستای ایدئولوژی و مسیر انقلاب اسلامی حرکت کند (حاجی‌یوسفی، ۱۳۹۱: ۱۴۰).

ایشان در روز جمعه ۱۵ بهمن ۱۳۸۹ نیز طی سخنانی تحولات مصر و دیگر کشورهای عربی را «بیداری اسلامی» خواند و اعلام کرد که مردم مصر در انقلاب خود از روح انقلاب ایران الهام گرفته‌اند. او گفت: «حوادث امروز شمال آفریقا، مصر، تونس و برخی کشورهای دیگر برای ملت ایران معنای خاصی دارد. این همان چیزی است که همیشه به عنوان حدوث بیداری اسلامی به مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی گفته می‌شود» و قیام مردم مصر را قیامی هم‌پیمان اسرائیل و آمریکا دانست که شکستی غیرقابل جبران برای سیاست‌های آمریکا در منطقه خواهد بود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹).

بنابراین جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر اصول و مبانی قانون اساسی و همچنین آرمان‌ها و اصول انقلاب اسلامی خود در بحبوحه آغاز تحولات این کشور، به حمایت از اعتراضات مردم برخاسته و ضمن حمایت از خواسته‌های مردم؛ به لزوم ایجاد اصلاحات و اعطای حقوق و امتیازات بیشتر به شهروندان تأکید کرد (اسدی، ۱۳۹۰).

از نظر مقامات ایران دو عنصر در این قیام‌ها برجسته و پررنگ است: اول) مقاومت در برابر استبداد داخلی و برقراری عدالت؛ دوم) تعالی معنوی، آزادی دینی و برچیدن مظاهر غلبه غرب.

آنچه در مصر رخ داد حرکت پرجوش و خروش و فراگیر مردمی بود که در نتیجه چند ده تحقیر به وجود آمد. حاکمان وابسته به قدرت‌های بزرگ و خاضع در برابر رژیم صهیونیستی، سال‌ها تحقیر ملی‌ای را به مردم مصر تحمیل کرده بودند؛ تحقیری که با چاشنی تحولات تونس، انقلاب و انفجاری چنین مهیب را در مصر ایجاد کرد. مردم مصر با ایستادگی و پابرجایی موفق شدند که حاکمان خودکامه، را

از قدرت خلع کنند (اقارب پرست و مهربان فر، ۱۳۹۰: ۱۷۶-۱۷۰). و چون اعتراضات مردمی، حرکت‌های ریشه‌ای است، نه مدیریت شده، به حمایت از این جنبش پرداختند. به عبارت دیگر، از نظر مقامات ایران این اعتراضات، نتیجه تراکم ناخرسندی‌هایی بود که دهه‌ها بر مردم تحمیل شده بود. ناخرسندی از تبعیض‌ها، فساد حکومتی و همچنین بیکاری جوانان باعث شد مردم قیام کنند. ضمن اینکه سال‌ها پیش، انقلابی در منطقه رخ داد و آن انقلاب ایران بود که بستر و زمینه حرکت را برای مردم ایجاد کرد (صالحی، ۱۳۹۰). از این رو، ایران منشأ این تحولات را برگشت ملت‌های منطقه به اسلام و مطالبات دینی آنان می‌داند. همچنین قانون اساسی ایران، حمایت از ملت‌های مظلوم در سراسر دنیا را جزو اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی عنوان کرده است.

از نظر ایران تحولات مصر، مطالبات مردمی بوده و مسلمانان مجری و کارگزار آن می‌باشند و با انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران در ارتباط است و این حرکت‌ها را الهام گرفته از انقلاب ایران می‌دانند. در واقع بیداری اسلامی به عنوان یک پدیده متأثر از نهضت فکری جمهوری اسلامی در غرب آسیا، ادامه روندی است که حدود یک قرن پیش در ایران آغاز شده و دارای وجود اشتراکی همچون مردمی بودن، اسلام‌خواهی، استکبارستیزی و نفی ظلم و وجود روحیه ایثار و شهادت با انقلاب اسلامی ایران است (اقبال، ۱۳۹۱: ۳). همچنین این خیزش‌ها، مستقل و برآمده از جهان‌بینی، بیداری و هوشیاری اسلامی است که انقلاب اسلامی ایران بهره‌بردار (اشرافی، ۱۳۹۰)؛ بنابراین از نظر دستگاه سیاست خارجی ایران، انقلاب اسلامی عامل عمده بیداری اسلامی است و نقش ویژه‌ای در روند بیداری ملل مسلمان منطقه ایفا کرده است. این جنبش‌ها تحت تأثیر انقلاب ایران و ایدئولوژی اسلامی ایران می‌تواند به افزایش حاکمیت هویت‌های مذهبی در کشورهای غرب آسیا و نفوذ بیشتر ایران منجر شود (۸: ۲۰۱۱، Nord land and Kirkpatrick).

از این منظر انقلاب اسلامی ایران آغازی بر بیداری اسلامی در سطح منطقه و حرکت ملت‌ها و گروه‌های اسلامی برای مقابله با صهیونیسم و استعمار بود و

صحنه تحولات غرب آسیا را دگرگون ساخت. ثبات و استمرار و استقرار نظام جمهوری اسلامی از مهم‌ترین عواملی است که ملت‌های منطقه و ملت‌های مسلمان را امیدوار و نقش مؤثری در ایجاد حرکت و بیداری اسلامی منطقه ایفا کرده است (صالحی و شهابی، ۱۳۹۱: ۶۲).

الگو بودن و الهام‌بخشی جمهوری اسلامی ایران برای بیداری اسلامی به دو عامل مهم و عمده باز می‌گردد: نخست ارائه الگوی نظری «مردم‌سالاری دینی» در قالب قانون اساسی و ساخت سیاسی جمهوری اسلامی ایران؛ و دیگری تداوم و تکامل این نظریه و نظام سیاسی با وجود مخالفت‌ها و معارضت‌های همه‌جانبه با آن (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۱۷). در واقع اهداف ایران در این تحولات را می‌توان چنین بیان کرد:

#### ۱) افزایش نفوذ منطقه‌ای و کسب هم‌پیمانان جدی

#### ۲) حمایت از ملت‌های مظلوم منطقه و نهضت‌های آزادی‌بخش

جمهوری اسلامی ایران بر اساس بند ۱۶ اصل سوم قانون اساسی، «تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» را معیار سیاست خارجی خود اعلام کرده است و بر این اساس، خود را متعهد به حمایت از ملت‌های منطقه می‌داند. دولت ایران، از مردم در مقابل نخبگان سیاسی حمایت به عمل آورده است و این حمایت از ابزار مسالمت‌آمیز حقوق ملت‌ها به افزایش وحدت و گرایش به جمهوری اسلامی ایران منجر شده است (بغیری، ۱۳۹۰: ۱۹۳).

همچنین اصل ۱۵۴ قانون اساسی با صراحت اعلام می‌دارد که «جمهوری اسلامی ایران در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبان مستضعفین در برابر مستکبران در هر منطقه جهان حمایت می‌کند» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸: ۲۸).

#### ۳) بسط ایدئولوژی اسلامی

ایدئولوژی اسلامی بر اساس آموزه‌های دینی و اسلامی شکل گرفته و قدرت یافتن مسلمانان در کشورهای منطقه، در بسط ایدئولوژی انقلاب اسلامی تأثیر به سزایی

خواهد داشت. ایران در این تحولات صرفاً بر مردم‌سالاری دینی و اسلام سیاسی تأکید دارد و در پی تحمیل الگوی ولایت فقیه بر دیگر کشورهای اسلامی نیست (خرمشاد و کیانی، ۱۳۹۱: ۴۶).

#### ۴- بهبود مناسبات سیاسی و اقتصادی

اگر زمینه همکاری دوجانبه اقتصادی، ایران و مصر فراهم می‌شد دو کشور در حال توسعه، از فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالای تجاری، صنعتی و سرمایه‌گذاری برای ارتقای توانایی اقتصادی خود برخوردار می‌شدند. نیازهای اقتصادی دو کشور می‌توانست مکمل هم باشد. قابلیت‌های متخصصان ایرانی در زمینه سدسازی، تولید خودرو و ماشین آلات کشاورزی، تولیدات پتروشیمی، صنعت نفت و گاز و غیره می‌توانست زمینه توسعه مناسبات فی مابین را فراهم کند. متعاقباً مصر نیز می‌توانست بخشی از نیازهای ایران را از جمله در صنعت نساجی تأمین کند. دو کشور همچنین می‌توانستند به طور مشترک در صنایع سنگین، توریسم و صنایع تبدیلی سرمایه‌گذاری کنند. از سوی دیگر تهران و قاهره می‌توانستند با تبادل نظر زمینه‌های ورود به بازارهای آسیای مرکزی، قفقاز و شمال آفریقا را فراهم نمایند. در این میان با وجود علاقه طرفین به گسترش روابط، همچنان برقراری رابطه دیپلماتیک میان دو کشور به کندی پیش می‌رود (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۱).

#### ۵) به دست گرفتن رهبری اصلاحات سیاسی در منطقه

جمهوری اسلامی ایران هم به واسطه تجربه، مهم‌ترین انقلاب منطقه در سه دهه قبل بوده و هم به واسطه دفاع همه‌جانبه از انقلاب‌های مردمی از موقعیت ممتازی برای تأثیرگذاری بر تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا برخوردار است، به گونه‌ای که برخی محافل غربی و اسرائیلی از ابتدای شروع انقلاب‌های مردمی در منطقه نسبت به تأثیرگذاری انقلاب‌ها از گفتمان و رویکرد جمهوری اسلامی ایران ابراز نگرانی می‌کردند. جمهوری اسلامی ایران به واسطه الگوی حکومتی خود- تحت

عنوان مردم‌سالاری اسلامی که بر ارزش‌هایی مثل هویت انحصاری یا اسلامی، غرب‌ستیزی و اسرائیل‌ستیزی تأکید دارد- به عنوان مدل جایگزین در مصر است.

### ایران و خیزش‌های مردمی منطقه غرب آسیا؛ چشم‌انداز آینده

ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم منطقه، باید به دنبال فرصت‌های جدید و بهره‌گیری مناسب از این تحولات باشد. از نظر ایران، تحولات امروز منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، ادامه روندی است که حدود یک قرن پیش در ایران آغاز شده و ۳۶ سال پیش با پیروزی انقلاب اسلامی به ثمر رسیده است. همچنین این خیزش‌ها مستقل و برآمده از جهان‌بینی، بیداری و هوشیاری اسلامی است که آن هم از انقلاب اسلامی ایران الگو گرفته است.

ایران جنبش‌های اخیر در منطقه را حرکت‌هایی ریشه‌ای می‌داند که در نتیجه تراکم ناخرسندی‌های مردم در طول چندین دهه شکل گرفته‌اند. از این رو ایران، منشأ این تحولات را بازگشت ملت‌های منطقه به اسلام و مطالبات دینی آنان می‌داند. همچنین قانون اساسی ایران، حمایت از ملت‌های مظلوم را در سراسر دنیا جزء اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌داند.

بنابراین، برای دستیابی به اهداف و تأمین منافع خود در قبال تحولات کشورهای منطقه بایستی از ظرفیت‌هایی استفاده کند و در این زمینه از ابزارهایی برخوردار است که در صورت استفاده مطلوب از آنها و نقش‌آفرینی مطلوب، راه دستیابی به این اهداف و منافع هموار می‌شود. این راهبردها عبارتند از:

#### (۱) رایزنی‌های دیپلماتیک

مذاکره و رایزنی‌های دیپلماتیک، یکی از راهکارهای رایج در دیپلماسی است. کشورهای حاضر در غرب آسیا را بر اساس سطح روابط با ایران می‌توان به کشورهای هم‌پیمان و دوست، کشورهای بی‌طرف و کشورهای رقیب تقسیم کرد. به یقین، تقویت روابط با کشورهای دوست، ارتقای سطح روابط با کشورهای

بی طرف و تنش زدایی با کشورهای رقیب، فرصت های بیشتر برای حمایت از جنبش های مردمی در منطقه، در اختیار ایران قرار خواهد داد.

## ۲) استفاده از قدرت نهادی

کشورها برای تاثیرگذاری بر حوادث و تحولات پیرامون خود، نیازمند قدرت هستند. این قدرت صرفاً قدرت نظامی نیست. یکی از ابزارهای قدرت که کشورها در اختیار دارند و می توانند از آن برای دستیابی به اهداف خود استفاده کنند، نهادها و سازمان های بین المللی هستند. اتفاقاً بسیاری از کشورهایی که از قدرت نظامی برخوردارند، برای مشروعیت بخشی به اقدامات شان، آنها را در قالب نهادهای بین المللی پیگیری و عملی می کنند. ایران نیز می تواند از نهادهای بین المللی که در آنها عضویت دارد مانند اکو، اوپک، سازمان کنفرانس اسلامی، عدم تعهد و ... برای دستیابی به اهدافش استفاده نماید (قربانی شبخ نشین و کارآزما، ۱۳۹۱: ۸۹-۸۸).

## ۳) گفتمان سازی

یکی از انواع قدرت ها، قدرت مولد است که از طریق گفتمان سازی محقق می شود. در وضعیت فعلی جهانی شدن، گفتمان های مختلفی نظیر جهان وطنی، محلی و بومی گرایی، بشردوستانه، عقلانی، عقلانیت ارتباط جمعی، شیعی و تقریب امت اسلامی از گفتمان های مطرح می باشند. خلق گفتمان های منطقی و دارای مقبولیت جهانی، به سیاست گذاری های کشور مشروعیت و جهت می دهد.

برای اشاعه فرهنگ مقاومت و گسترش موج بیداری اسلامی، باید با توجه به تفاوت های بومی و دینی موجود در کشورها و با استفاده از ابزارهای رسانه ای مدرن، گفتمان فرهنگی مشترکی مبتنی بر زبان فطرت ایجاد کرد. در واقع گفتمانی که لازم است ایران برای ایجاد آن، تلاش و سرمایه گذاری کند، باید مورد پسند و استقبال حداکثری در سطح بین المللی قرار گیرد و در عین حال منافع ایران را نیز تأمین نماید، همچنین قابلیت بهره برداری در جهت حمایت از جنبش های منطقه را داشته باشد (نورانی، ۱۳۹۱: ۲۱۲).

## ۴) قدرت ساختاری

نظام بین‌المللی به سان بدنه‌ای است که هر یک از کشورها، اجزای آن را تشکیل می‌دهند، و جزو آن هستند. هر کشوری در این نظام ساختاری، جایگاه و وزنی دارد و این ساختار برای آن، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. ایران باید با شناخت صحیح و منطقی از جایگاه خود در نظام بین‌المللی، ابزارهای قدرت خویش را بشناسد و از آن‌ها به طور صحیح و منطقی استفاده نماید.

## ۵) ابتکار عمل

داشتن ابتکار عمل و طرح برنامه‌ها و پیشنهادهای معقول و منطقی برای برون‌رفت از بحران‌های داخلی و منطقه‌ای که بتواند نظر موافق طرفین را جلب کند، افزون بر اینکه می‌تواند انقلاب‌های مردمی را با هزینه‌های کمتر و آسان به ثمر برساند، به طور طبیعی، وزن و قدرت و نفوذ ایران را در منطقه افزایش خواهد داد. ایران تاکنون به طور رسمی هیچ برنامه و پیشنهادهای را برای حل بحران کشورهای درگیر بیداری اسلامی ارائه نکرده که این می‌تواند نشانه ضعف دستگاه دیپلماسی ایران باشد.

## ۶) تنش‌زدایی و اعتمادسازی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل تبلیغات منفی علیه ایران و در پی سیاست ایران‌هراسی، ایران همواره مورد سوءظن سایر کشورها بوده است. در حوادث اخیر منطقه‌ای نیز، کشورهای عربی ایران را به دخالت و تحریک معترضان داخلی این کشورها متهم می‌کنند. در چنین فضایی لازم است ایران با در پیش گرفتن سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی مواضع خود را معقول و منطقی جلوه دهد (قربانی شیخ- نشین و کارآزما، ۱۳۹۱: ۹۱).

## ۷) کنترل و مهار تهدیدها

کنترل و مهار تهدیدها و در گام بعدی تبدیل آنها به فرصت به ایران این امکان را می‌دهد که با نگرانی کمتری برای دستیابی به اهداف و منافع خود

برنامه ریزی و تلاش نماید. یکی از تهدیدهای مهمی که می تواند منافع ایران را در منطقه با چالش مواجه کند، اغتشاشات در سوریه است. ایران نیاز دارد همچنان از دولت اسد در سوریه حمایت کند تا نزدیک ترین هم پیمانان خود در منطقه را حفظ کند. هم پیمانی که با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک خود، تاکنون در افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه و حمایت از گروه های مقاومت در لبنان و فلسطین نقش مهمی ایفا می کنند. همچنین بایستی پیش بینی های لازم و همه جانبه در خصوص سوریه انجام شود تا در صورت احتمال برکناری رژیم بشار اسد در این کشور باز هم منافع ایران در منطقه با تهدید مواجه نشود. همچنین ایران باید همه ابزارها و ظرفیت های دیپلماتیک خود را برای تثبیت انقلاب های مردمی، از طریق آگاهی بخشی به ملت ها به کار گیرد.

## ۸) دیپلماسی رسانه ای

دیپلماسی رسانه ای یکی از ابزارهایی است که ایران در اختیار دارد و با استفاده مناسب از آن، می تواند دسترسی به اهداف تعیین شده را آسان سازد. در این راستا جهت دهی مناسب، برنامه ریزی دقیق و هماهنگی رسانه های داخلی، استفاده از ظرفیت اتحادیه های رسانه ای بین المللی و همکاری با رسانه های گروهی کشورهای منطقه بر اساس منافع مشترک مورد توجه است (سایت بلاگفا، ۱۳۹۰).

## ۹) همگرایی در ارائه راهبردها

ابزارهای یادشده تنها در صورتی کارایی مناسب خواهد داشت که همگرایی لازم در میان تمام نهادها و رسانه ها وجود داشته باشد.

در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد تلاش های ایران برای برقراری روابط با مصر از سر گرفته شد تا جایی که احمدی نژاد از آمادگی ایران برای بازیابی روابط سیاسی با مصر طی یک روز اطلاع داد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۷: ۱۰۵) اما این اتفاق نیفتاد.

موانع بر سر راه برقراری ارتباط دیپلماتیک میان ایران و مصر زمان مبارک، گرچه بعضاً سطحی و نمادی می‌شوند، اما این نمادها خود بیانگر سطوح عمیق ایدئولوژیک و سیاسی هستند. به عنوان مثال نام‌گذاری خیابانی در ایران به نام «خالد اسلالمبولی» همواره مورد اعتراض حاکمان مصری بوده است و بارها آن را پیش‌شرط برقراری ارتباط دانسته بودند (علیزاده، ۱۳۸۴: ۳۷). نماد بعدی، مستندی که از سوی شبکه تلویزیونی الجزیره بود که توسط عده‌ای از ایرانیان، با عنوان «اعدام فرعون» زیرنویس شد. این مسأله تا بدان جا پیش رفت که دولت مبارک سفارش ساخت مستندی علیه امام خمینی (ره) را داد (گلجان، ۱۳۸۵: ۷۰). اتهام ایران به حمایت از اسلام‌گرایان و تروریسم، وابستگی مصر به جریان آمریکا و اسرائیل در منطقه و سردمداری جریان مقاومت از سوی ایران، از دیگر علل ریشه‌ای عدم برقراری چنین ارتباطی هستند.

### نتیجه‌گیری

پس از بررسی تحولات رخ داده در کشورهای غرب آسیا و علل به وجود آمدن این تحولات، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر این انقلاب‌ها، بیان شد. انقلاب اسلامی ایران با توجه به شاخصه‌های نرم‌افزاری خود، از قبیل نمادگرایی، هویت اسلامی و ایدئولوژی سیاسی، معنویت‌گرایی در سیاست، ضدیت با رژیم‌های دیکتاتور و ضداسلامی، روحیه شهادت‌طلبی، جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم، توانست بر تحولات کشورهای عربی، تأثیرگذار باشد. بر این اساس، مبنای قدرت نرم انقلاب اسلامی، اسلام است. ظهور و نقش‌آفرینی انقلاب اسلامی، بارزترین مشخصه مشترک در میان مجموعه خیزش‌های به هم پیوسته و دنباله‌دار جاری در غرب آسیا و شمال آفریقا است. به عبارت دیگر، هرچند اشتراکات دیگری نیز - در کنار برخی تفاوت‌ها - در این تحولات پی در پی دیده می‌شود، اما ردپای انقلاب اسلامی را می‌توان در هریک از این خیزش‌ها پی گرفت. به واقع آموزه‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی مبتنی بر عدالت اجتماعی، مردم‌سالاری دینی، استقلال و آزادی که توانسته به تلفیقی از جمهوریت و اسلامی دست یابد الگوی بسیاری از جنبش‌ها و

خیزش‌های مردمی است. از این دیدگاه می‌توان گفت که انقلاب اسلامی نقطه عطفی در بیداری و رهایی نه تنها جهان اسلام که دیگر ملت‌ها به شمار می‌رود. به طوری که موفقیت آن در خلق مفاهیم نوین، توانست موجب یک فضای گفتمانی باشد که خرده‌گفتمان‌ها را در درون خود مستحیل سازد و ضمن مفهوم‌سازی و بازسازی فکری و اندیشه‌ای، فرهنگ نوینی را در روابط بین‌الملل رقم زند. که بر مردم‌سالاری دینی، احیای تفکر اسلامی، جهان‌گرایی تمدن اسلامی، محوریت فعالیت فرهنگی، تقویت جنبش‌های جدید اجتماعی و فرهنگ استکبارستیزی و استقلال‌خواهی استوار است.

این تحولات برای ایران هم فرصت است و هم چالش. "فرصت" از این لحاظ که ژئوپلیتیک تنهای ایران در منطقه با روی کار آمدن دولت‌های ملی - اسلامی جدید در منطقه برطرف و این خود سبب تقویت سطح روابط با کشورهای عربی و به تبع تقویت نقش منطقه‌ای ایران می‌شود. همچنین به دلیل تقویت دیدگاه‌های منطقه‌ای، ایران در حوزه ارزشی و ژئوپلیتیک به منطقه نزدیک‌تر می‌شود. "چالش" از این لحاظ که این تحولات ممکن است به همان اندازه هم در آینده در روابط منطقه‌ای ایران با بازیگران تأثیرگذار منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تضاد به وجود آورد. اساساً، ارزش ژئوپلیتیک ایران به ایفای نقش منطقه‌ای است. ایران یک قدرت در حال ظهور منطقه‌ای است که می‌تواند از انقلاب‌های عربی به عنوان یک فرصت راهبردی برای تقویت دیدگاه‌های ارزشی و تثبیت نقش منطقه‌ای خود استفاده کند.

## کتابنامه

۱. قرآن مجید، ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور.
۲. ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۹)، «گفتمان اسلام سیاسی و جهانی‌شدن امنیت خاورمیانه»، پایان‌نامه دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۳. احمدی، حمید (۱۳۹۱)، سیر تحول جنبش‌های اسلامی؛ از نهضت سلفیه سیدجمال تا بیداری اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۴. اسکاج‌پل، تدا (۱۳۷۹)، «حکومت تحصیل‌دار و اسلام شیعه در انقلاب ایران»، ترجمه محسن امین‌زاده، مندرج در: عبدالوهاب فراتی، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، چاپ ۲، قم، معارف.
۵. اقارب‌پرست، محمد و هادی مهربان‌فر (۱۳۹۰)، «جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا: تلاقی استبدادستیزی و اسلام‌خواهی»، فصلنامه ره‌آورد سیاسی، سال هشتم، شماره ۳۲.
۶. بغیری، علی (۱۳۹۰)، «خیزش‌های اخیر خاورمیانه و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه ره‌آورد سیاسی، سال هشتم، شماره ۳۲.
۷. بیکی، مهدی (۱۳۸۸)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۸. جعفری‌ولدانی، اصغر (۱۳۸۸)، ایران و مصر: چالش‌ها و فرصت‌ها، تهران: انتشارات مرز فکر.
۹. جمال‌زاده، ناصر (۱۳۹۱)، «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه‌ی صدور فرهنگی انقلاب (با تأکید بر بیداری اسلامی در منطقه)»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۴، پاییز.
۱۰. جمالی، جواد (۱۳۹۰)، «تأثیرسنجی قدرت نرم انقلاب اسلامی بر انقلاب‌های عربی»، فصلنامه عملیات روانی، شماره ۲۸، بهار.
۱۱. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۹۱)، «ایران و انقلاب‌های ۲۰۱۱ خاورمیانه: برداشت‌ها و اقدامات»، فصلنامه علمی- پژوهشی انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
۱۲. خرمشاد، محمدباقر و نیما کیانی (۱۳۹۱)، «تمدن اسلامی الهام‌بخش موج بیداری اسلامی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
۱۳. خمینی، روح‌اله موسوی (۱۳۶۰)، صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره))، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، جلد ۵.
۱۴. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۲)، «امت‌سازی در پروژه انقلاب، گفت‌وگو با دکتر محمدرضا دهشیری»، ماهنامه زمانه، شماره ۱۷، بهمن.
۱۵. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۵)، «جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی»، مجله حضور، شماره ۵۷، تابستان.
۱۶. صالحی، جواد و مهدیه شهابی (۱۳۹۱)، «تأثیر انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی منطقه خاورمیانه»، فصلنامه بیداری اسلامی، سال اول، شماره ۱.
۱۷. عباسی، فهیمه (۱۳۹۰)، «لیبی و بیداری اسلامی»، مجموعه مقالات کوتاه دانشجویی با موضوع بیداری اسلامی، به کوشش مهدی یزدان‌پناه، تهران: دفتر مطالعات فرهنگی و برنامه‌ریزی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با همکاری معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
۱۸. علیزاده، حسین (۱۳۸۴)، بررسی تحلیلی و توصیفی تاریخ روابط ایران و مصر (دو قدرت منطقه‌ای خاورمیانه)، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۹. غفاری، مصطفی (۱۳۹۰)، «بیداری اسلامی در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: چالش هویت اسلامی و ساختار سیاسی در خاورمیانه»، فصلنامه ره‌آورد سیاسی، سال هشتم، شماره ۳۲.
۲۰. فوکو، میشل (۱۳۸۰)، ایران روح یک جهان بی‌روح و ۹ گفتگوی دیگر با میشل فوکو، مترجم نیکو سرخوش، تهران: نشر نی.
۲۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸.
۲۲. قربانی‌شبنشین، ارسلان و جواد کارآزما (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی و دستگاه دیپلماسی ایران: فرصت‌ها و تهدیدها»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸، بهار.
۲۳. قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۲)، جهانی شدن و جهان سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۴. گلجان، مهدی (۱۳۸۵)، بررسی روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی ایران و مصر از سال (۱۳۳۱- ۱۳۵۷ ه.ش/ ۱۹۵۳- ۱۹۷۹ م.)، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۵. مجله پانزده خرداد (۱۳۶۹)، تهران، شماره یک، دی ماه.
۲۶. میلشتاین، میخائیل (۱۳۹۰)، «خاورمیانه قدیم- جدید: انقلاب‌ها در خاورمیانه و تبعات آن بر اسرائیل»، کتاب خاورمیانه ۸، ویژه اسلام‌گرایی و بیداری اسلامی در خاورمیانه، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
۲۷. نای، جوزف (۱۳۸۶)، «منابع قدرت نرم»، ترجمه ناصر بلیغ، فصلنامه مطالعات بسیج، سال دهم، شماره ۳۶.
۲۸. نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم، ترجمه سیدمحسن رحمانی و مهدی ذولفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۲۹. نورانی، امیر (۱۳۹۱)، «مصر: بیداری اسلامی و الگوی ایران»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸، بهار.
۳۰. هنری لطیف‌پور، یدالله (۱۳۸۰)، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۱. اقبالی، ابوالفضل (۱۳۹۱)، «وجوه تشابه انقلاب اسلامی ایران و جنبش بیداری اسلامی مصر»، ویژه‌نامه روزگار وصل (بیداری اسلامی)، یکشنبه، ۲۱ آبان ۱۳۹۱، در:  
<http://fa.bidarieslami.com/view-۴۴۶۲.html>
۳۲. اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، «تحولات سیاسی مصر؛ رویکردها و پیامدهای منطقه‌ای (شماره ۴)»، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، در:  
<http://isrjournals.ir/fa/essay/۱۷۲-essay-farsi-۳۹.html>
۳۳. صالحی، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، «همایش بین‌المللی بیداری اسلامی»، سایت رسمی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، تهران ۱۳۹۰/۳/۱۰ رجوع شود به:  
[www.mfa.gov.ir](http://www.mfa.gov.ir)
۳۴. اشرافی، مجتبی و مرتضی اشرافی (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر انقلاب مصر»، پایگاه تخصصی مطالعات سیاست بین‌الملل اینپا، رجوع شود به:  
<http://www.political.ir/post-۹۷۰.aspx>
۳۵. آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۸۹)، پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای، خطبه‌ای نماز جمعه ۱۳۸۹/۱/۱۵، قابل دسترسی در:  
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۰۹۵۵>

۳۶. برزگر، کیهان (۱۳۹۱)، «اهمیت سفر مرسی به تهران»، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، در:

<http://fa.merci.ir/default.aspx?tabid=۱۲۷&ArticleId=۱۷۴۶>

۳۷. دیپلماسی ایرانی، (۱۳۹۱)، «راه احیای روابط مصر با ایران از سوریه می‌گذرد»، ۱۳۹۱/۷/۲۱، قابل دسترسی در:

<http://www.irdiplomacy.Ire/fax/page/۱۹۰۷۸۵۸>

۳۸. نیازی، شهریار (۱۳۹۰)، «جنبش‌های اخیر در خاورمیانه تحول‌خواه هستند»، سایت مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، قابل دسترسی در سایت:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa>

۳۹. بلاگ‌فا (۱۳۹۰)، «حضور کم‌رنگ رسانه‌های ایران در بیداری اسلامی»، (۱۳۹۰/۸/۱)، <http://aliymc.blogfa.com/post-۲۹۵.aspx>

۴۰. سبحانی، محمدعلی (۱۳۹۰)، «جنبش‌های مردمی در جهان عرب»، سایت دیپلماسی ایرانی، اردیبهشت، قابل دسترسی در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa>

۴۱. نبوی، سیدعبدالمیر (۱۳۹۰)، «نقش جوانان در خیزش نوین مردم مصر»، سایت مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۸ اردیبهشت، سایت:

<http://fa.merci.ir>

۴۲. نوربخش، یونس (۱۳۹۰)، «هویت جدید دینی در خاورمیانه جدید»، سایت دیپلماسی ایرانی، خرداد، قابل دسترسی در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa>

#### منابع لاتین:

۴۳. Bayat, Asef (۲۰۱۱), "The Post-Islamist Revolutions", *Foreign Affairs*: <http://www.Foreignaffairs.Com>.

۴۴. Blanks, Divide and Frassetto, Michael (۱۹۹۹), "Western View of Islam in mealeaval".

۴۵. Goldstone, Jack A. *Understanding the Revolutions of* (۲۰۱۱), May/June ۲۰۱۱, in: Hamid, Shadi, (۲۰۱۱), *The Rise of the Islamists*, May/June ۲۰۱۱, in: <http://www.Foreignaffairs.com/articles/۶۷۶۹۶/shadi-hamid/the-rise-of-the-islamists>.

<http://www.foreignaffairs.com/articles/۶۷۶۹۴/jack-a-goldstone/understanding-the-revolution-of-۲۰۱۱>.

۴۶. Nor land and Kirkpatrick, (۲۰۱۱), "Islamists. Growing Sway Raises Questions for Libya", *New York Times* (September ۱۴).

۴۷. THE Emerging Shia Crescent Symposium: Implications for U.S. Policy in the Middle East (۲۰۰۶), <http://www.cfr.org/June>.

۴۸. White, Richard (۲۰۰۷), "Islamic Fundamentalism and Political Islamic", *York News: Macmillan Press*.